



"سماع"

کهن الگوی نیایش

نازیلا معمار مرتضوی

رقص اقوام بدوی قبل از شکار نیز نوعی نیایش خدایوانه بود. در آثاری که مربوط به آخرین دوره های عصر حجر درغار سه برادر در منطقه آریژ اسپانیا کشف شده، حرکات مسحورکننده و موزون زن و مردی دیده می شود که خود نشان دهنده وجود حرکات آیینی در آن زمان می باشد. مردم افریقا و سرخ پوستان امریکا نیز مراسم متعدد حرکتی داشته اند، به طوری که حتی عزاداری و تشییع پیکر مردگان خود را با آواز و رقص انجام می دادند. مرتاضان مصری حرکاتی در آیین های مذهبی خود به اجرا درمی آوردند که این حرکات، شور و هیجانی پدید می آورد و سبب خروج روح از جسم شده و مرتاض در عشق الهی غوطه ور می گردید.

در ایران کهن نیز مجموعه ای از حرکات و اعمال درونی به نام "کیانا" انجام می شد. معنای لغوی "کیانا"، اصل و مبدأ است و به حرکات حیات بخشی اطلاق می شود که این حرکات موجب اتحاد و یگانگی جسم، ذهن و روان شده و بدن را به پاکیزگی، تندرستی، نیرومندی، تعادل و خلوص، و ذهن را به آرامش می رساند.

قدیمی ترین نوع ارتباط ماورائی، در رقص های خلسه آورده

حرکت، گوهر هستی و اصل همه کمالات و نشانه اراده به سوی کمال است. هستی، موزون و دورانی است و اساس آن بر حرکت و چرخ نهاده شده است. موجودات به حکم خلقت و به قدر شعور و شأن وجودی خود، هماهنگ با هستی، متمایل به حرکت و چرخش اند و هیچ ذره ای از ذرات هستی نیست که از نقص به سوی کمال، در گردش و چرخش و رقص و سماع نباشد.

از دیرباز بشر حرکات موزون نیایشی را برای پرستش و جلب نظر خدایان، مراسم قربانی، دفع ارواح خبیث، درمان و... به کار می بردند. این ها حرکاتی کاوش گرانه بودند که انسان های مانوس به طبیعت انجام می دادند و آن چه زبان توانایی گفتن و رسایی آن را نداشت، به وسیله حرکت القا می کردند. این حرکات وسیله ارتباط انسان با خدایان و ماوراء الطبیعه بود و سه هدف را به دنبال داشت:

- زبان ارتباط با خدایان،
- وسیله ای برای رابطه با عوامل مافوق طبیعی،
- هدیه ای ارزشمند برای تقدیم به آن ها (که هم نیایشی و هم ارتباطی بود).



درواقع این هنر، شرح فراق و وصال آدمی به حق و حقیقت است و وسیله تقرب به اصلی است که آدمی از آن دور افتاده است. سماع راست، نیایش باطنی و تزکیه روحانی است. وقتی که قلب به لهو و لعب رغبت پیدا کند و به سوی تمناهای دنیا و شهوات نفس اماره متمایل شود، هیچ نوع جمعیت خاطری حاصل نمی گردد و حرکت آلوده به ریا و متظاهرانه و بی هدف، سبب اتلاف نیرو شده و مخرب است؛ اما چنان چه محرک آن، اصوات الهی و جذبه باشد و به نیروی وارد الهی به حرکت درآید، هنروهنرمند با هم یکی شده و سماع، جذبه و مراقبه مردان خدا خواهد بود. نیروی چنین حرکت و چرخشی، سماع گر را به فراتراز خود می برد تا از اعجاز الهی و الطاف خداوند

می شود. این پدیده به فرد این نیرو را می دهد تا به واسطه حرکاتی ویژه، به حالتی دیگرگون و متفاوت از خودآگاهی دست یابد. در چنین وضعیتی توانایی های حسی کاملاً تغییر یافته و فرد حالتی فراتراز زمان و مکان را تجربه می کند. در این حالت او از جهان مادی گذشته و عالمی دیگر برایش متجلی می شود.

یکی از انواع رقص های آیینی، سماع وجدآور و مسحورکننده است. واژه سماع به معنای شنیدن است که مجازاً به رقص با تکنیک خاصی اطلاق شده؛ و آن، حرکتی است که بر اثر شنیدن نغمه های دلنشین وجدآور پدیدار می شود. "سماع، راه پیوند انسان به هیجان درون و رسیدن به حالی فراتر و توانایی و روشنایی بخشیدن به روح است".

سماع، شنیدن صدای حقیقت مطلق در روز ازل است که از ارواح فرزندان آدم پرسیده شد: "الست بر بکم؟ آیا من خدای شما نیستم؟" و آن ها پاسخ دادند: "بلی! آری تو هستی." خاطره این پیمان و این ندا در ارواح فرزندان آدم باقی ماند. بنابراین عقیده، وقتی که آوایی خوش و مسحورکننده و الهی همچون نغمه خوش داود، صدای پرندگان، صدای دف و نی و... شنیده می شود، حالتی در قلب شنونده پدیدار می گردد که آن را وجد می نامند. وجد، حرکتی رقص گونه را می آفریند که انسان را از نیازهای مادی فراتر می برد. نیروی این حالت وجدآور، حرکات کاملی را آشکار می کند که سماع نامیده می شود.

شنونده به وجدآمده پای بر زمین می کوبد تا پای زند به غیر راستی؛ دست می افشاند تا نشانه ای باشد از سرور و نشاط حاصل از وصال؛ و می چرخد تا دل را فقط به یگانه مطلق واگذارد تا با هستی هماهنگ شود و به جایگاه و اصل خویش پرواز کند.

حرکات معنوی وجد آور و موزون

کتاب

سماع

نور نور نور



تمرینات حیات بخش و جا ودان ساز کیانا

۰۲۱۲۲۸۱۲۴۰۷ ۰۹۱۲۳۹۴۷۸۶۶

www.whirling121.com



سبحان بهره مند شود. در این جاست که به تعبیر نیچه "بدن هنرمند، خود یک اثر هنری می شود".

چرخیدن نشان توحید و یگانه پرستی است که حالت موحدین می باشد. در سماع چرخان، حرکت جسم با چرخش و دست افشانی، با بالا بردن کف دست راست به سوی آسمان برای دریافت برکت و گذر دادن آن از راه قلب به دست چپ، و با دست چپ بخشیدن به زمین و تمام موجودات، و سپس در آغوش گرفتن همه آن ها با عشق و محبت، انجام می پذیرد. این، بیانگر شادمانی وصال با معشوق ازلی و ابدی است.

بنابراین چه گفته شد، سماع سابقه ای ازلی داشته و از زمان های بسیار دور، بشر به فراخور:

— سرشت، عقاید، احوال، زمان و مکان،

— رقص های انفرادی و دسته جمعی، حلقه ای، دُوری - هندسی،

— به روش های ارتباط اشاره ای، نمایشی، نیایشی، پرستش مهرورزانه،

— در طبیعت، جایگاه های مخصوص، بتخانه، پرستشگاه، معبد، صومعه یا خانقاه،

— با آداب، مناسک و مراسمی خاص،

حرکاتی معنوی یا رقص مقدس به جا می آورده است.

عموماً تصور می شود که سماع، از چرخش در اویش فرقه مولویه

منشأ گرفته است، اما همان طور که گفته شد، مبدأ چرخش قدیمی تر است و به هزاران سال پیش از ظهور درویش گرایبی و صوفیگری می رسد. اما شاید مولانا جلال الدین آن را از بطن خانقاه ها و خلوت خانه ها به کوچه و بازار کشاند و از فرط عشق و شور و مستی، آن را آشکار ساخت.

ای دل ار خواهی که بینی روی دوست

راه می جویی به سوی کوی دوست

بشنو آوایی ز نای آن سری

تا به یادش، یاد خود از جان بری

بشنو آن آوا که در روز الست

روح تو با آن نوا پیمان ببست

چون ز یادش حال وجد آمد پدید

وز سماع راست، روح پر کشید

دست افشان، پای کوبان می شوی

تا برون از خویش سوی او روی

تا هماهنگی کنی با ماه و مهر

با یکی ذره و یا گردان سپهر

که همه در چرخش و در گردش اند

در یگانه محو و با او سر خوش اند

E.mail: www.whirling121.com

منابع:

- ۱- سماع نور نور / جواد تهرانیان / ترجمه سیما ره شناس / انتشارات فراروان
- ۲- سماع زندگان / ژان پیر پاستوری / ترجمه رضا شعیری / انتشارات قطره